

بسم الله الرحمن الرحيم

روایت حولاء

روایت «حولاء» دارای مضامین عالی تربیتی در بخش تربیت خانواده و امور زناشوئی است. توجه به این روایت دیدگاه اسلام را در خصوص مسائل زناشوئی و اهمیت مودّت و محبّت دو همسر بیان می‌کند.

«حولاء» که نام اصلی وی زینب است، عطر فروش بود. وی به خانه پیامبر و همسران ایشان رفت و آمد داشت، و به آنان عطر می‌فروخت، روزی همسرش او را خواند ولی وی ایبا کرد؛ تا اینکه شب شد و شوهر از دستش همچنان ناراحت بود، وقتی عازم مسجد شد تا نماز بگذارد، حولاء به دنبالش رفت ولی او روی برگرداند. به سویی رفت و دست راست و سر او را بوسید، ولی شوهر همچنان محبّت او را نمی‌پذیرفت. حولاء فهمید که او به شدّت از وی عصبانی است، به رخسار می‌زد و خاک به صورت می‌ریخت و به شدت و بلند بلند و زار زار می‌گریست و از ترس خدای جهانیان و اضطراب از آتش جهنّم و روزی که میزان‌ها برپا و نامه‌ها باز می‌شود و ترس از عذاب مالک قیامت، می‌لرزید.

او سپس جعبه آرایش و عطرهاى خود را آورد و خویش را معطر ساخت و پاکیزه نمود و چنان کرد که عروس در شب زفاف می‌کند، سپس رختخواب را پهن نمود و زیر لحاف خود را بر همسرش عرضه نمود ولی شوهر همچنان از او روی برمی‌گرداند، او دیگر بار به سویی آمد تا بلکه قبولش کند ولی شوهر باز صورتش را از وی برگردانید، حولاء چون وضعیت را چنین دید، سیلی به صورت خود نواخت و با صدای بلند گریه سر داد. او از خدا می‌ترسید و از عذاب قیامت اضطراب داشت و از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها پند، به شدّت بی‌تاب بود و آن شب را لحظه‌ای به خواب نرفت و البته شبی طولانی‌تر از روز قیامت برای او بود، چون شوهر خود را خشمگین از خود دید و مقصّر در ادای حقّ او می‌شناخت.

صبح که شد، نماز خویش اقامه نمود، پوشیه (مقنعه) بر صورت زد، عبایش را بر سر افکند و راهی منزل رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شد. چون رسید بدین شیوه سلام کرد: سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، ای معدن علم و رسالت، ای مکان ورود و خروج فرشتگان، آیا اجازه می‌فرمایید بر شما وارد شوم، خدای شما را رحمت فرستد؟

ام‌سلمه زوجه مکرمه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله صدایش را شنید و او را شناخت، به کنیزش گفت برو و در را باز کن، کنیز در را باز کرد و حولاء وارد شد، ام‌سلمه گفت: چه شده است و در چه حالی؟ و البته حولاء بهترین زمانه‌ی خود بود، او پاسخ داد، بی‌بی از خداوند عالمیان خائفم، شوهرم بر من خشم گرفته و می‌ترسم من هم به کینه‌ی او دچار شوم و از او خشم گیرم. ام سلمه گفت: بنشین، عصبانی مشو تا رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بیاید.

حولاء نشست و با امّ سلمه شروع به گفتگو نمود و در این اثنا رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند و فرمودند: حولاء را نزد شما می بینم آیا به شما از عطرهایش نداده است؟ ام سلمه عرض کرد: نه به خدا ای پیامبر، خدا به تو و اهل بیت طاهر تو درود فرستد او آمده از حق همسرش بر وی سؤال کند و سپس داستان را برای ایشان بازگفت و حضرت در جواب و در بیان حقوق شوهر فرمودند:

۱- ای حولاء! هیچ زنی نیست که به خشم به شوهرش نگاه کند مگر اینکه به خاکستری از آتش جهنم سر مه کشیده شود.

۲- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، زنی نیست که حرف شوهرش را برگرداند مگر اینکه در روز قیامت به زبانش آویزان می شود و با میخ های آهنی کوبیده می گردد.

۳- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت برانگیخت، زنی نیست که دست دراز کند و بخواهد موی سر شوهرش را بکشد یا پیراهنش را پاره کند مگر اینکه خداوند دودستش را با میخ آهنی می کوبد.

۴- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت برانگیخت، زنی نیست که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود و در عروسی یا مجلس عزا و تشییع جنازه ای شرکت کند مگر اینکه خداوند چهل لعنت از راست و چهل لعنت از چپ بر او نازل کرده و لعنت بر او از پشت سرفرستاده تا وی را دربرگیرد، تا اینکه در لعنت خداوند از سر تا به پا غرق می شود و خدای متعال به قدر هر قدمی که بر می دارد چهل گناه تا چهل سال می نویسد و اگر چهل سال برسد، آن گناهان به تعداد کسانی که صدایش را شنیده براو نوشته می شود، سپس هیچ دعایی از او مستجاب نمی شود مگر اینکه شوهرش به مقدار نفرینی که براو فرستاده، به همان تعداد برایش از خداوند طلب غفران کند والاّ این لعنت با این گستره تا مرگ وی و برانگیختنش ادامه دارد.

۵- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برگزیده، زنی نیست که بی اذن همسر، نمازش را بیرون از خانه بخواند مگر اینکه روز قیامت با همان نماز می آید و آن به صورتش زده می شود، سپس دستور می یابد که وارد آتش شود، پس او چون ماهی از هم پاشیده و چون گوشت در آتش جهنم قطعه قطعه می شود.

۶- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برگزیده، هیچ زن شوهرداری نیست که تنها در صحرا باشد و یا در آب رودخانه ای برهنه بوده باشد مگر اینکه خداوند در قیامت او را به یکی از صحراهای جهنم پرتاب نماید و او آتش بزرگی را شعله ور کند و آن زن در آن آتش چون موج بلندی بایستد همانند ایستادن ماهی وقتی که در آتش افکنده شود.

۷- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت و رسالت برانگیخته است، زنی نیست که مهر را بر شوهر سنگین کند

مگر اینکه خداوند زنجیرهایی از آتش جهنم را براو سنگین سازد.

۸- ای حواء! به حق کسی که مرا به نبوت و رسالت مبعوث کرده است، زنی نیست که مهرش را بر شوهرش تا روز قیامت به تأخیر اندازد و نگیرد و آن روز مطالبه کند مگر اینکه خداوند رسوایی دنیا را به او خواهد چشاند و البته عذاب قیامت بزرگ تر است اگر می دانستند.

۹- ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، زنی نیست که بی اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد (البته نه واجبات ماه مبارک رمضان و یا هر آنچه به نذر و عهد و قسم مشروع واجب شده است). مگر اینکه از جمله گنه کاران است.

۱۰- ای حواء! به کسی که مرا بحق به نبوت و رسالت برانگیخت، سزاوار نیست زن از اموال شوهرش بدون اذن او صدقه دهد که اگر چنین کند ثوابش از آن مرد و گناهش و وزر و وبالش برعهده زن است.

۱۱- ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، جانشین پروردگار متعال برزن، مرد است پس اگر مرد از زن راضی باشد، خدا از او راضی است و اگر مرد از زنش ناخشنود باشد و براو کینه داشته باشد، خداوند براو خشمگین است و او مغضوب خدا و فرشتگان اوست.

۱۲- ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت و هدایت کننده و هدایت شونده برانگیخت، اگر شوهر بر زن خشم گیرد خداوند بر او خشم گرفته است و او در قیامت سرازیر محشور شود و با صورت به نهایت جهنم و قعر آن با منافقین در پائین ترین درکات آتش انداخته می شود و خداوند مارها و عقربها و افعیها از کوچک و بزرگشان بر او مسلط کرده و آنها گوشتش را می گزند و البته هر ماری چون درخت و کوههای ثابت بر او باشند.

۱۳- ای حواء! هیچ زنی نیست که نمازش را بگذارد و ملازم خانه اش باشد و همسرش را اطاعت کند مگر اینکه خداوند گناهان گذشته و آینده ی او را ببخشد.

۱۴- ای حواء! جایز نیست زن بیش از حد توان مرد بر او تحمیل کند و جایز نیست شکوهی همسرش را نزد احدی از خلائق چه دور یا نزدیک ببرد.

۱۵- ای حواء! واجب است زن بر ضرر و نفع شوهرش و بر تنگدستی و گشاده دستی او صبر کند، همانطور که همسر ایوب علیه السلام بر او صبر کرد، این زن هجده سال بر او صبر کرد، او را بردوش خود حمل می کرد و خودش گندمها را آرد می نمود و لباسها را شستشو می داد، نان برای همسرش می آورد، خدای را سپاس می گفت، او را در پارچه می پیچاند و بر روی دوشش حمل می کرد و همه را به خاطر شفقت و احسان و تقرب به سوی خدا انجام می داد.

۱۶- ای حواء! به کسی که مرا بحقّ به نبوت و رسالت برانگیخت هر زنی در سختی و راحتی بر شوهرش صبر کند و مطیع او و اوامرش باشد، خداوند او را با همسر ایوب علیه السلام محشور کند.

۱۷- ای حواء! زینت خود را برای غیر همسرت آشکار منما، زیرا جایز نیست زن میچ و قدم خود را برای غیر شوهرش از مردان آشکار نماید. که اگر چنین کند دائما در لعنت خدا و خشم اوست، خدا بر او خشم گیرد و فرشتگانش او را لعن کنند و برای او عذاب دردناک مهیا نمایند.

۱۸- ای حواء! بدان هر زنی داخل حمام عمومی شود، ابلیس ملعون دستش را بر عورتش می‌گذارد و او را در اختیار خود قرار می‌دهد تا اینکه از حمام خارج شود زیرا حمام خانه‌ای از خانه‌های جهنم و از خانه‌های کفار و شیاطین است. (احتمال هر معصیتی در آنجا و در بین میسر وجود دارد).

۱۹- ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، مرد حقوقی بر زن دارد و از آن جمله اگر او را خواند راضی‌اش کند، و اگر به چیزی فرمائش داد، سرکشی نکند، به خلاف خواسته‌اش جواب او ندهد، مخالفت با او ننماید، در حالی که شوهرش از او ناخشنود است ولو اینکه بناحق باشد، شب را به صبح سپری نکند و هر وقت که او خواست هر چند بر کوهان شتر باشد خود را از وی منع ننماید.

۲۰- ای حواء! اگر مرد بر زن خشم گرفت، زن می‌بایست شوهرش را از خود راضی کند و جایز نیست به غضب به صورت شوهرش بنگرد. بلکه او باید خود را به پای شوهر اندازد و دست برپاهایش بکشد تا اینکه خدا از او راضی گردد، چه اگر شوهر از او ناراضی باشد، خدای متعال هم از او ناخشنود است.

۲۱- ای حواء! حق زن بر شوهر این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بیوشاند و نماز و روزه و زکوة (البته اگر اموالی دارد) به وی بیاموزد، و البته زن در اینگونه واجبات نباید با او به مخالفت پردازد.

۲۲- ای حواء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخته است، همانا پروردگارم به من مقام محمود عطا فرمود و بهشت و جهنمش را به من نشان داد پس مشاهده کردم که اکثر اهل جهنم زنانند. من گفتم: ای دوستم جبرئیل چرا چنین است؟ وی گفت: به خاطر کفرشان، گفتم: به خداوند کفر می‌ورزند؟ گفت: نه، آنان کفران نعمت می‌کنند. گفتم: چگونه؟ گفت: اگر شوهر همواره به آنان نیکی کند سپس خطایی از وی سرزند، گوید من از تو هیچ‌گاه خیری ندیده‌ام.

۲۳- ای حواء! بیش‌تر آتش جهنم از هیزم شعله‌ور شده‌ی زنان است؟ حواء پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود: چون زنان وقتی بر شوهرانشان خشم گیرند، گویند: من از تو هرگز خیری ندیده‌ام؛ شاید از آن شوهر فرزندان به دنیا آورده باشند!

۲۴- ای حواء! مرد را بر زن حقی است، باید او ملازم خانه‌اش باشد، شوهرش را دوست داشته باشد و نسبت به او مهربان باشد، از خشم او دور بوده و رضایت او را کسب کند، عهد و وعده با او را وفا کند، آنچه که شوهر را به خشم می‌آورد ترک کند، و کسی را شریک در اولادش قرار ندهد (مرتکب فحشایی نشود) و او را اهانت نکند. در خانه جای گیرد، برای شوهرش خود را بیاراید، نمازش را بگذارد و از جنابت و عادت غسل کند.

اگر او چنین کند روز قیامت باکره با صورتی درخشان محشور می‌شود. پس اگر شوهرش فردی با ایمان و صاحب عمل صالح بوده باشد، در بهشت نیز همسر او خواهد بود و گرنه با شهیدی از شهداء ازدواج خواهد کرد. حضرت در نهایت فرمود: اگر شوهرت نزد تو نیست خود را معطر نساز.

۲۵- ای حواء! هرکدام از شما زنان ایمان به خدا و روز قیامت دارد، زینتش را برای غیر همسرش قرار ندهد و حجاب خود را باز نکند و مچ دست خود را آشکار نکند و هرزنی هرکدام از اینها را برای غیر شوهرش قرار دهد، دینش را تباه کرده و خدا را بر خود خشمگین ساخته است.

۲۶- ای حواء! جایز نیست برای زن، که جوان بالغی وارد خانه‌اش شود و او حق ندارد چشمانش را از او پرکند و سیر به او نگاه کند. و حق ندارد اجازه دهد جوان نیز به او سیر نگاه نماید. و نباید با وی بخورد یا بیاشامد مگر اینکه آن جوان با وی محرم باشد و اینها در حضور شوهر صورت گیرد. در این هنگام عایشه گفت: هرچند آن جوان بنده و مملوک باشد؛ حضرت فرمود: هرچند او مملوک باشد، زن نباید هیچ‌کدام از این کارها را انجام دهد که اگر زن چنین کرداری از او سرزند خداوند بر او خشم گرفته و او و تمام ملائک وی را لعن می‌کنند.

۲۷- ای حواء! هیچ زنی نیست که آبی پاکیزه برای شوهرش آورد، مگر اینکه خداوند از هر رنگی در بهشت برای او خلق کند و به او بگوید: بخور و بیاشام در مقابل اعمالی که در گذشته انجام داده‌ای.

۲۸- ای حواء! زنی نیست که سخنی از شوهرش را بشنود و بر آن صبر کند، مگر اینکه خداوند به قدر هرکلمه‌ای که شنیده و بر آن صبر نموده است، برای او مزد روزه‌گیر و مجاهد در راه خدا را بنویسد.

۲۹- ای حواء! زنی نیست که از شوهرش شکایت کند، مگر اینکه خداوند بر او غضب نموده و زنی نیست که لباسی بر شوهرش بپوشاند، مگر اینکه خداوند در قیامت هفتاد خلعت بهشتی که هر خلعتی از آنها چون گل سرخ و زیبا و ریحان باشد، به او بپوشاند و چهل کنیز از حوریان به او عطا گردد تا خدمتش کنند.

۳۰- ای حواء! به کسی که مرا به نبوت و رسالت و تبشیر و انذار فرستاده، زنی نیست که از همسرش حامله شود مگر اینکه زیر چتر رحمت الهی و زیر سایه خداست تا اینکه درد زایمانش آغاز شود و او هر بار که درد به سراغش آید، همانند این است که کنیزی مؤمنه را در راه خدا آزاد کرده باشد و چون فرزندش را به دنیا آورد و شروع به شیر

دادن او کرد، فرزند سینه‌ی مادر را نمی‌مکد مگر اینکه از بین دو دست مادر نوری تا روز قیامت ساطع می‌شود به‌طوری که همه‌ی گذشتگان و آیندگان با دیدنش تعجب می‌کنند. و او چون کسی است که همواره روزه‌دار و هرشب به قیام بگذراند و ثوابش به وی عطا می‌شود و هرچند به ظاهر روزه‌دار نباشد (یا هرچند ماه مبارک به‌خاطر ضرر روزه برای او و یا فرزندش روزه نگیرد)، ثواب روزه‌دار و نمازخوان در همه‌ی عمر به وی عطا می‌شود. و چون او فرزندش را از شیر بازگیرد، خدای متعال می‌فرماید: ای زن هرآنچه از گناهان داشتی بر تو بخشیدم، اعمالت از سر گیر، خداوند به تو رحم نماید. حواء پرسید: ای رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، خداوند بر تو درود فرستد، همه‌ی اینها به نفع مرد است. حضرت فرمود: آری. حواء عرض کرد: زنان چه امتیازی دارند؟ حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: برادرم جبرئیل همواره مرا در مورد زنان سفارش می‌کرد به‌طوری که من گمان بردم جایز نیست شوهرش به وی اُف گوید. او به من گفت: ای محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از خدای متعال در مورد زنان بترس، زیرا آنان اسیران دست شمایند. شما امانات الهی را گرفته‌اید به فرمان خدا و سنت و شریعت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آنان را برخورد حلال ساخته‌اید. لذا برای آنان بر شما حقی است واجب، زیرا جسم آنان را برخورد حلال ساخته و بدنشان به شما رسیده و فرزندان‌تان را در رحم‌شان نگه می‌دارند تا اینکه درد زایمان آنان را بگیرد، بنابراین با آنان مهربانی کنید، روح‌شان را شاد نمایید تا اینکه با شما باشند، آنان را ناراحت نکنید و به خشم نیاورید و از آنچه به آنان داده‌اید جز به رضای خودشان بازپس نگیرید. و آن حضرت نیز فرموده‌اند: هر مردی یک سیلی به زنش بزند خدای متعال به مالک که خازن جهنم است امر می‌کند و او هفتاد سیلی آتشین در آتش جهنم به صورتش خواهد زد.^۱

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳.